

## مبانی فقهی و حقوقی مسئولیت دولت نیجریه در قبال حفظ جان شیعیان

سید محمد حسینی<sup>۱</sup>

### چکیده

براساس قانون اساسی جمهوری فدرال نیجریه، امنیت و آرامش هدف اصلی حکومت است و نباید هیچ گونه برتری میان افراد ایالات و یا اقوام وجود داشته باشد. براساس قانون اساسی این کشور، هرگونه تبعیض ممنوع است و همه افراد جامعه دارای حق حیات اند و شکنجه و بازداشت بدون دلیل ممنوع است. در قانون نیجریه، بردباری مذهبی و عدالت جزو اخلاق ملی است و با تأکید بر حرمت و کرامت انسان، بر اقدامات انسان دوستانه دولت تصریح شده است. براین اساس دولت نیجریه و مسئولین ایالتی، موظف به حفظ امنیت برای تمامی اقوام از جمله شیعیان این کشورند. در این نوشتار کوشش شده است با استناد به قوانین حقوقی نیجریه و در رأس آن قانون اساسی این کشور و با تکیه بر مبانی فقهی اسلامی و دیدگاه برخی علمای اهل سنت، به مسئولیت های دولت نیجریه در قبال حفظ جان شیعیان مانند آزادی در انجام اعمال مذهبی، ممنوعیت هرگونه شکنجه و بازداشت، برقراری عدالت و برابری میان شیعیان و دیگر گروه ها و مذاهب، بردباری مذهبی، ضرورت حفظ جان شیعیان از سوی دولت و برخورد با عناصری که امنیت جانیشان را به خطر می اندازد، پرداخته شود. در مقابل نمونه هایی از ناکارآمدی دولت نیجریه در حفظ امنیت و جان شیعیان نیجریه آمده است.

**واژگان کلیدی:** نیجریه، شیعه، امنیت، قانون اساسی، فقه اهل سنت.

۱. دانش پژوه دکتری مذاهب کلامی دانشگاه ادیان و مذاهب قم. Email:Alhoseini114@yahoo.com

بعد از تأثیرات شگرف انقلاب اسلامی ایران بر مردم نیجریه و شیعه شدن بسیاری از آن‌ها، در سال‌های پس از انقلاب اسلامی و به خصوص دههٔ اخیر اتفاقاتی در آن کشور رخ داد که از سویی نوید بخش امید و شکوفایی تشیع در آن منطقه است و از طرف دیگر، نگرانی‌هایی را در ذهن صاحب نظران در حوزه مطالعات سیاسی و حقوقی به وجود آورده است.

اتفاقاتی که حکومت و ارتش نیجریه نه تنها نسبت به آن‌ها پاسخگو نیست، بلکه به صورت مستقیم یا غیر مستقیم نیز در آن نقش داشته است. این در حالی است که بر اساس قانون اساسی نیجریه و فقه اهل سنت و شیعه، دولت مرکزی وظیفه دارد حافظ جان، مال و ناموس شیعیان و اقلیت‌های مذهبی آن کشور باشد و شاید بتوان بزرگترین اهرم فشار برای حفاظت از جان شیعیان نیجریه را قوانین کشور نیجریه و در رأس آن قانون اساسی آن کشور و فقه عامه که اکثر مسلمانان در نیجریه و همچنین کشورهای هم‌پیمان آن، مدعی عمل به آنند، دانست.

حال باید دید آیا می‌توان با توجه به فدرال بودن حکومت نیجریه، در بخشی که اکثریت آن منطقه مسلمان هستند، در قالب نظام فدرال از فقه اسلامی یاری جست و مسئولین مناطقی را که مجلس ایالتی و فرمانداری در آنجا عهده دار نظم هستند را ملزم به حفظ حقوق و جان شیعیان آن منطقه بر اساس فقه اسلامی دانست یا خیر؟ افزون بر آن که آیا در قوانین مدون رژیم ریاستی نیجریه که بر اساس قانون اساسی آن کشور اداره می‌شود، می‌توان به مواردی اشاره نمود که شیعیان بر اساس آن، هم در انجام اعمال خود آزاد باشند و هم مسئولیت حفظ جان ایشان بر عهده حکومت باشد؟ دربارهٔ موارد فوق، به نظر می‌رسد هیچ مقاله‌ای تدوین نشده است و آنچه به عنوان چند یادداشت در فضای مجازی بعد از اتفاقات زاریا و حمله به شیعیان آن منطقه منتشر شده است، از جایگاه علمی برخوردار نیست و در بیشتر نوشته‌ها، قانون اساسی کشور نیجر (که در مجاورت کشور نیجریه قرار دارد) به اشتباه قانون اساسی نیجریه قلمداد شده است.

## الف. وظایف حقوقی دولت نیجریه در قبال حفظ جان شیعیان آن کشور

برای آن که مسئولیت و وظیفهٔ دولت نیجریه در قبال حفاظت از شیعیان آن کشور مشخص شود، لازم است ابتدا به صورت کلی نگاهی به ساختار و تشکیلات حکومتی این کشور شود تا از این مسیر، به اصول قانونی و حقوقی نیجریه پی ببریم.

## - ساختار حکومت نیجریه

تشکیلات حکومتی نیجریه با توجه به تنوع قومی و قبیله ای، بر اساس سیستم حکومتی «جمهوری فدرال» و بر اساس اصل تقسیم قوا، توسط سه قوه مجریه، قضائیه و مقننه اداره می شود و به لحاظ نوع حکومت، رژیم «ریاستی» به شمار می آید. نیجریه دارای ۳۶ ایالت بوده که به صورت فدرال اداره می شوند. براساس قانون اساسی، سیستم تفکیک قوای سه گانه در این کشور به رسمیت شناخته شده است. (وفایی، ۱۳۹۰، ص ۶)

با توجه به ساختار «فدرال»، ایالات نیجریه با لحاظ سیستم تفکیک قوا از آزادی نسبی برخوردارند و در هر یک از ایالات، دو قوه مجریه و مقننه وجود دارد که فرماندار در حکم قوه مجریه و مجلس ایالتی در جایگاه قوه مقننه به قانون گذاری می پردازد. فرمانداران ایالات و نمایندگان مجلس ایالتی با رأی مستقیم مردم انتخاب می شوند و در امور داخلی و ارتباطات خارجی خود مستقل هستند و تنها در مسائلی از قبیل بودجه، پول واحد، دفاع، سیاست خارجی و انتخابات کشوری تابع حکومت مرکزی اند. بالاترین مقام اجرایی کشور که همان رئیس جمهور است، ریاست قوه مجریه را بر عهده دارد. (سنایی، ۱۳۹۰، ص ۹۱)

در خصوص این ساختار و ارتباط آن به نحوه الزام حاکمیت نیجریه و مسئولیت فقهی در قبال جان شیعیان، در ادامه توضیحاتی خواهد آمد.

## - جایگاه قانون اساسی در نیجریه

قانون اساسی هر کشور اصل اصولی قوانین آن کشور است و نیجریه نیز نه تنها از این قانون مستثنی نیست، بلکه می توان گفت به علت تاریخچه قانون در آفریقا و بخصوص نیجریه، اهمیت رجوع به قانون اساسی این کشور دو چندان است. نیجریه بعد از اتفاقات سیاسی و اجتماعی و کودتاهای نظامی متعدد توانست در سال ۱۹۹۹ قانون اساسی جدید خود را تدوین کند و با توجه به آنکه در این سال ها کودتای جدیدی صورت نگرفته، می توان از این قانون به عنوان اصلی اساسی در استناد به مسئولیت دولت نیجریه در قبال حفظ جان شیعیان آن کشور استفاده کرد. (همان، ص ۸۰)

قانون اساسی نیجریه همان قانونی است که در آن تصریح شده است: «دولت همه قدرت و اقتدار خود را از طریق قانون اساسی از آن ها (مردم) می گیرد». (Constitution of the Federal Republic of Nigeria, 1999, 14, 2, a)

همچنین باید این نکته عنایت نمود که در مورد تعارض قانون اساسی نیجریه با سایر قوانین، در بخش ابتدایی این قانون اساسی تصریح شده است چنانچه قوانین دیگر در تضاد با قانون اساسی نیجریه باشد، قانون اساسی مقدم بر دیگر قوانین است، پس آن قوانین منتفی است. (همان، ۳ و ۱) در نتیجه ما در این مقاله قانون اساسی را ملاک پذیرش این مسئولیت برای دولت نیجریه قرار داده ایم. باید توجه داشت که آنچه تحت عنوان ترجمه فارسی قانون اساسی نیجریه در سایت های اینترنتی موجود است و حتی متأسفانه سایت های حقوقی تخصصی و دانشگاهی نیز آن را منتشر کرده اند متعلق به دولت نیجر می باشد. از این رو نگارنده بخش هایی از قانون اساسی نیجریه را ترجمه کرده است و در مواردی که امکان ترجمه های متفاوت و متعارض در عبارات وجود داشته است از مشاوره افراد خبره و زبان آگاه استفاده نموده است. اینک به وظایف حقوقی دولت نیجریه در قبال حفظ جان شیعیان آن کشور اشاره می شود.

## ۱. تعهدات قانون اساسی نیجریه در قبال شیعیان آن کشور

یکی از ابتدایی ترین موارد حقوقی قوانین موضوعه کشورهایی که ساختار قانونی پیشرفته دارند، تبیین وظایف حکومت در قبال مردم است و اولین حقوق اساسی مردم در برابر حکومت هایی که بر مسند قدرت نشسته اند، برقراری امنیت برای شهروندان آن کشور است. برقراری امنیت برای مردم، حداقل پاسخ حکومت ها به انتخاب مردم است که این اصل بر اساس حقوق عمومی باید برای همگان فارغ از نژاد و مذهب در نظر گرفته شود. در کشوری مانند نیجریه که از قانون اساسی مدون برخوردار است و بخش قابل توجهی از ساکنین آن منطقه را شیعیان تشکیل می دهند، در ذیل موادی از این قانون که به آزادی اقوام و مذاهب پرداخته شده است، می توان حقوق نادیده گرفته شده شیعیان را جستجو کرد.

در ادامه به مواردی از قانون اساسی کشور نیجریه پرداخته می شود که بر اساس آن، حکومت نیجریه موظف است بر اساس آن با شیعیان رفتار کند. مواردی که نادیده گرفتن هر یک از آن ها به منزله نقض قانون اساسی آن کشور است. همان قانونی که دولت تمام قدرت و اقتدار خود را از طریق آن دارا شده است.

## ۱.۱. حفظ امنیت

یکی از اصول پذیرفته شده در قوانین مدون مسئولیت‌های طرفین (دولت - ملت) است. قانون اساسی نیجریه نیز در این مورد بخشی را در نظر گرفته است :

The security and welfare of the people shall be the primary purpose of government

؛ امنیت و آرامش برای مردم باید هدف اصلی حکومت باشد. (همان، ۱۴ و ۲، b)

بر اساس این بخش از قانون اساسی نیجریه، نه تنها حفظ امنیت برای مردم نیجریه از وظایف حکومت معرفی شده است، بلکه از آن به عنوان یکی از اساسی‌ترین مسئولیت‌ها یاد شده است. استفاده از عبارت «people» در این قانون نشان می‌دهد که شیعیان به عنوان بخشی از «مردم» نیجریه در این قانون شریک بوده و حکومت موظف است از «security and welfare» که همان امنیت و آسایش شیعیان در نیجریه است، محافظت کند.

شاید برای بخش اول این نگارش همین عبارت کافی بود تا وظیفه دولت نسبت به مردم نیجریه را مشخص کند و ثابت کند مسئولیت دولت نیجریه در قبال حفظ جان شیعیان آن کشور در متن قانون اساسی گنجانده شده است و هیچ راهی برای گریز از این مسئولیت توسط حاکمیت وجود ندارد، اما در ادامه به سایر مواد قانونی اشاره می‌شود تا تأکید قانون نیجریه بر این مسئولیت ثابت شود و مواردی که وظیفه حاکمیت را فراتر از حفظ امنیت دانسته، مطرح شود و راه قانونی طلب امنیت توسط شیعیان نیجریه بیش از پیش هموار گردد.

## ۱.۲. رعایت عدالت و آزادی

در اصل ۱۷ قانون اساسی نیجریه به موضوع عدالت، برابری و آزادی در آن کشور بصورت مفصل پرداخته شده است. این اصل که متشکل از ۳ بند و ۱۳ بخش است سعی شده مساوات و آزادی‌های مردم نیجریه در آن مدون گردد. همچنین در اصل ۳ بند ۱۴ این قانون پس از آن که در مورد آزادی‌های اجتماعی سخن می‌گوید، آورده است:

Thereby ensuring that there shall be no predominance of persons from a few State or .from a few ethnic or other sectional groups in that Government or in any of its agencies

هیچ برتری بین افراد از چند ایالت یا از چند گروه قومی و یا دیگر گروه‌های حکومت و یا هر یک

از سازمان‌های آن وجود ندارد. (همان، ۱۴ و ۳)

بر این اساس، قانون تصریح کرده عواملی چون قوم و گروه و ایالت نمی‌تواند موجبات برتری افراد را فراهم کند. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چرا با وجود چنین قانونی، گروه‌هایی تروریستی مانند بوکوحرام هر جنایتی را که در توان داشته باشند در نیجریه انجام می‌دهند و از جانب دولت مؤاخذه نمی‌شوند، اما به وفور دیده شده است هنگامی که شیعیان در نیجریه مراسم مذهبی خود را برگزار می‌کنند، مورد هجوم و آزار قرار می‌گیرند؟ چرا افراد حکومتی به راحتی به شیعیان تعرض کرده و به منزل آن‌ها حمله می‌کنند، اما مورد مؤاخذه قرار نمی‌گیرند؟ مگر نه این است که در این قانون تصریح شده است حتی گروه‌های مرتبط با دولت نیز با سایرین در قانون برابرند؟ در نتیجه با در نظر گرفتن این بند از اصل ۱۴ و همچنین اصل ۱۷ قانون اساسی که تصریح به برابری گروه‌ها می‌کند، می‌توان به جستجوی جایگاه واقعی شیعیان نیجریه پرداخت که امنیت شان توسط همین گروه‌های وابسته به خطر می‌افتد.

این تصریح در قانون اساسی نیجریه راه توجیه جنایات ارتش این کشور را، که آزادانه به دلیل ارتباط با حکومت مرکزی جان شیعیان نیجریه را به خطر می‌اندازد می‌بندد.

### ۱.۳. ممنوعیت تبعیض بر اساس مذهب

یکی دیگر از مواردی که در قانون اساسی نیجریه بدان تصریح شده، اما متأسفانه التزامی بدان از جانب حکومت آن کشور دیده نمی‌شود، ممنوعیت تبعیض بر اساس مذهب افراد است. بر اساس قانون اساسی نیجریه تبعیض به صرف این که شخصی مذهبی را اختیار کرده و یا خود را ملزم به برگزاری مراسم مذهبی خاصی بداند غیر قانونی شمرده شده است. از جمله مواردی که بر این اصل تصریح کرده است بخشی از اصل ۱۵ است.

Accordingly, national integration shall be actively encouraged, whilst discrimination on the grounds of place of origin, sex, religion, status, ethnic or linguistic association or ties shall be prohibited.

بر این اساس، انسجام ملی بصورت فعال باید تشویق شود، در حالی که تبعیض بر اساس محل ولادت، جنسیت، مذهب، وضعیت، ارتباط قومی یا زبانی یا روابط، ممنوع است. (همان، ۱۵، ۲)

با وجود چنین تصریحی در قانون اساسی نیجریه می‌توان گفت شیعیان باید در عین امنیت کامل و حفظ کرامت و اطمینان از عدم تبعیض بخاطر مذهب، بتوانند در نیجریه اعمال مذهبی

خود را به جا آورند. تصریح به عبارت «religion» (مذهب) در این قانون و در مجاورت عباراتی همچون «origin» (اصالت یا محل تولد)، اطلاق عدم قانونی بودن هر تبعیض بر اساس موارد اکتسابی و انتسابی افراد را می‌رساند.

شیعیانی که در نیجریه زندگی می‌کنند، باید همگی از این حق خود که در قانون اساسی کشورشان بدان تصریح شده، مطلع و برخوردار باشند، البته جهت این قانون بیش از هرکسی رو به سوی حکومت و دولت نیجریه است که به خطر انداختن امنیت و آرامش شیعیان بخاطر مذهب و یا حتی بخاطر به پا داشتن شعائر دینی، خلاف واضح نص قانون اساسی این کشور است. زیرا بر اساس آنچه در نیجریه مشاهده می‌شود، هرگاه شیعیان بر انجام مراسم مذهبی خود پافشاری می‌کنند، بیشتر مورد تبعیض قرار می‌گیرند تا جایی که تجمع جهت تعویض پرچم حرم امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام با پرچم حرم مطهر امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام در حسینیه بقیة الله عَلَيْهِ السَّلَام، دست آویزی برای پایمال کردن حقوق اساسی شیعیان در نیجریه می‌شود!

متأسفانه شرکت مردم از اقوام، مذاهب و حتی ادیان دیگر در یک مراسم مذهبی که بر اساس همین بند از قانون اساسی کشور نیجریه می‌تواند نمادی برای انسجام ملی آن کشور باشد، دست آویزی برای سرکوب شیعیان از جانب دولت می‌شود، اما دولت نیجریه به عنوان بزرگترین عامل به این قانون نه تنها خود حق سلب امنیت از شیعیان را ندارد، بلکه باید به منظور پاس داشت حقوق اساسی آن کشور، در صورت پدید آمدن مشکلی برای امنیت شیعیان، با تمام توان خود با آن به مقابله بپردازد.

#### ۱.۴. حق حیات حتی در صورت اتهام

یکی از مواردی که در قانون اساسی نیجریه لحاظ شده است، حق حیات برای همگان است. بر این اساس حتی اگر شخصی متهم نیز باشد، نباید جان او را عامدانه به خطر انداخت و حق زندگی را از او سلب کرد:

Every person has a right to life, and no one shall be deprived intentionally of his life, save in execution of the sentence of a court in respect of a criminal offence of which he has been found guilty in Nigeria.

هر شخصی اجازه حیات دارد و هیچ فردی، حتی اگر متهم نیز باشد، نباید در اجرای حکم دادگاه از زندگی و حیات خود محروم گردد.... (همان، ۳۳)

این بخش از قانون نیجریه ضمن تأکید بر حفظ جان تمام اشخاص «Every person» و عدم قانونی بودن به خطر انداختن جان انسان‌ها، از عباراتی مانند «offence» نیز استفاده کرده است که نشان می‌دهد حتی متهمین و یا مجرمین نیز باید جانشان در امان باشد، چه رسد به جان شیعیانی که در نیجریه به زندگی عادی و قانونی خویش می‌پردازند و تنها تفاوت آن‌ها با دیگران محبت اهل بیت علیهم‌السلام و به پا داشتن شعائر مذهبی‌شان است؛ قانونی که با وجود آنکه تصریح نموده است حتی دادگاه (court) نیز نمی‌تواند جان افراد را سلب کند، اما به شیعیان بدون حکم دادگاه حمله می‌شود و به قتل می‌رسند.

متأسفانه حکومتی که خود باید حافظ جان شیعیان نیجریه باشد، نه تنها در مقابل سفاکان تکفیری و افراط‌گرایان مسیحی ایستادگی نمی‌کند، بلکه گاهی خود عناصر وابسته به دولت یا ارتش، به شیعیان حمله می‌کنند و با کشتن و ربودن آن‌ها، این اصل واضح قانون اساسی خود را نادیده می‌گیرند. دولت نیجریه به عنوان اولین و بزرگترین مسئول اجرای قانون در مقابل شیعیان، باید پذیرای این مسئولیت خود باشد و به احترام قانون اساسی‌ای که به واسطه آن قدرت را در دست گرفته است، وظیفه حفاظت از جان شیعیان را بر عهده گیرد.

### ۱.۵. ممنوعیت شکنجه و بازداشت

یکی از مواردی که متأسفانه در نیجریه در مورد شیعیان به کرات اتفاق می‌افتد، بازداشت و شکنجه شیعیان در آن کشور است. نگارنده با توجه به مصاحبه‌های رسمی و گفت‌وگوهای غیر رسمی که با برخی شیعیان نیجریه و شاگردان ابراهیم زکراکی، رهبر جنبش اسلامی نیجریه داشته است، به فراوانی به مواردی بر خورده است که هر کدام از آن‌ها یک یا چند نفر از اعضای قوم و خانواده خود را می‌شناسد که از جانب دولت نیجریه بازداشت و یا شکنجه شده‌اند. شاید بتوان اوج این اتفاقات دردناک شیعیان را ۱۲ دسامبر ۲۰۱۵ م دانست که صدها تن از شیعیان به صرف این که برای انجام مراسم مذهبی خود آماده شده بودند، کشته و صدها تن دیگر بازداشت شدند و هنوز اطلاعات دقیقی از برخی مفقودین این فاجعه در دست نیست.

در واقع روشن نیست دولت نیجریه قانون اساسی خود را فراموش کرده است و یا با نادیده گرفتن آن در پی اهداف سیاسی دول استعماری برای فشار آوردن بر شیعیان است. بر اساس قانون مدون نیجریه، شکنجه و بازداشت منع شده است؛ (همان، ۳۳) اما چگونه است که این قانون تنها



شامل حال تندروهای مسیحی و تکفیری های مسلح است و شیعیان در عمل از آن استثنا شده اند؟ به نظر می رسد مسئولیت دولت نیجریه در قبال حفظ امنیت شیعیان از شکنجه و بازداشت و ظلم و ستم بر اساس اصل ۳۳ امری آشکار است و تشکیلات رژیم باید پاسخگوی نقض قانونی باشد که معتقد است بر اساس آن قدرت را در دست گرفته و بدان مفتخر است.

در اینجا نکته قابل تأمل در خصوص شیعیان نیجریه این است که طبق گفته خانواده های قربانیان بی عدالتی، بیشتر بازداشت ها بخاطر شرکت در مراسم مذهبی بوده است و بیشتر شکنجه ها بخاطر انتساب شیعیان به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و بهانه های واهی مانند تجمع شیعیان برای درگیری با ارتش است. ادعایی که دولت نیجریه تاکنون هیچ دلیلی برای آن اقامه نکرده و تمام شاهدان خلاف این ادعا را مطرح می کنند.

## ۱،۶. اخلاق ملی بر اساس بردباری مذهبی

در بخشی از قانون اساسی نیجریه آمده است :

The national ethics shall be Discipline, Integrity, Dignity of Labour, Social, Justice, Religious Tolerance, Self-reliance and Patriotism.

بردباری مذهبی و عدالت جزو اخلاق ملی به شمار می آید. (همان، ۲۳)

در اینجا باید بررسی نمود که منظور از «Religious Tolerance» یا همان بردباری مذهبی که دولت خود و شهروندان را موظف با رعایت آن کرده است چیست؟ و چه ارتباطی با حفظ امنیت شیعیان در نیجریه دارد؟

جان شاتوک از جمله کسانی است که به ترجمه این عبارت پرداخته است؛ بر اساس مقاله ای که سایت دانشگاه هاروارد از او منتشر کرده است، او می گوید بردباری مذهبی که از آن به عنوان تحمل ادیان (یا مذاهب) مخالف هم یاد می شود، بدین معناست که سایر ادیان و مذاهب نسبت به اختلافاتی که در عقیده با دیگران دارند، بردبار باشند. (Harvard Human Rights Journal, 16)

بدون تردید مهم ترین عاملی که می تواند امنیت شیعیان را بخاطر شیعه بودنشان به خطر اندازد، نداشتن بردباری مذهبی از جانب سایر نگرش ها است، حتی اگر آن نگرش در قالب اسلامی، مسیحی و حتی لایبیک باشد. چون عبارت «Religious Tolerance» که در قانون اساسی نیجریه بدان تصریح شده است، می تواند در بین بی دینان و متدینین هم باشد. به عبارت دیگر اگر

بردباری مذهبی که در نیجریه تصریح قانونی دارد، در آنجا نهادینه شده و یا حکومت به آن مقید بوده و سایرین را هم بدان ملزم کند حتی کسانی که با اصل دین مشکل دارند را نیز در بر گرفته و در نتیجه امنیت هیچ شیعه‌ای در نیجریه بخاطر شیعه بودن به خطر نمی‌افتد.

### ۱،۷. لزوم برخورد انسانی دولت با شیعیان

از آنجا که بخشی از سلب امنیت شیعیان در نیجریه می‌تواند متوجه خود دولت نیجریه باشد، لازم است تعهد قانونی دولت که آن را ملزم به برخورد صحیح با دیگران می‌کند، بررسی نمود.

Governmental actions shall be humane;

اقدامات دولت باید انسانی باشد. (همان، ۱۷، ۲، ۵)

شاید علت استفاده از تعبیر «Be Humane» این باشد که فطرت انسان، تفاوت برخورد انسانی و غیر انسانی را می‌شناسد. به راستی آیا این تعبیر برای مجاب کردن دولت نیجریه به برخوردی انسانی با شیعیان کافی نیست؟ اگر قرار است تمام فعالیت‌های دولت نیجریه بر اساس قانون اساسی آن کشور، انسانی باشد، چگونه می‌توان برخورد دولت با شیعیان را از این اصل مستثنی دانست؟ حداقل برخورد انسانی با شیعیان نیجریه برهم زدن امنیت جانی، مالی و... آنان است و قدر متیقن آن برای حکومتی که پیرو قانون اساسی است، حفظ امنیتی است که برای زندگی عادی یک انسان لازم است. البته در اینجا سوال‌های فراوانی می‌توان از دولت نیجریه پرسید و عملکرد دولت و ارتش را بر اساس همین اصل به نقد کشید که نگارنده در اینجا در این مقام نیست و هدف نگارنده بررسی مواردی است که متضمن مسئولیت حقوقی دولت نیجریه در قبال حفظ جان شیعیان آن کشور است.

### ۱،۸. حفظ و ارتقای کرامت شیعیان

بر اساس قوانین موضوعه نیجریه، مسئولیت دولت چیزی فراتر از حفظ امنیت و آسایش شیعیان است. در قانون اساسی نیجریه نه تنها به مسئولیت حفظ کرامت انسان‌ها تصریح شده است، بلکه دولت موظف به ارتقای آن شده است. شاید اگر شخصی به عملکرد دولت نیجریه نگاه کند حتی تصور نکند که دولت موظف است حرمت انسانی را به رسمیت شناخته و همواره به دنبال ارتقا و اعتلای آن باشد.

The sanctity of the human person shall be recognised and human dignity shall be maintained and enhanced;

حرمت شخص انسان باید به رسمیت شناخته شود و کرامت انسانی باید حفظ شود و ارتقا

یابد. (همان، ۱۷، ۲، b)

دولت نیجریه بر اساس این بخش از قانون اساسی، باید چنان امنیتی برای شیعیان آن کشور به وجود آورد که زمینه حفظ کرامت آن ها آنگونه که شایسته است رقم بخورد. به راستی آیا اگر امنیتی برای شیعیان آن منطقه وجود نداشته باشد دیگر حفظ کرامت برای آن ها معنی خواهد داشت؟ نخستین مسئولیت حفظ و افزایش کرامت شیعیان به عنوان گروهی از انسان ها که در نیجریه زندگی می کنند، بر عهده دولت آن کشور است و نخستین پاسخگو به نقض این قانون نیز متوجه حکومت است.

از مجموع آنچه گذشت استفاده می شود که بر اساس قانون اساسی نیجریه، دولت موظف است امنیت، کرامت و رفاه شیعیان را حفظ کند و نه تنها خود موظف به حفظ آن است، بلکه نقض این امنیت توسط هر فرد یا گروهی متوجه مسئولیت دولت نیجریه در این خصوص است؛ زیرا این وظیفه از اصول محوله به دولت بر اساس قانون اساسی نیجریه است.

## ب. وظایف فقهی دولت نیجریه در قبال حفظ جان شیعیان

پس از آن که وظایف و مسئولیت های دولت نیجریه در مورد امنیت شیعیان مشخص شد، باید دید که فقه اسلامی چه وظایفی را بر عهده این حکومت گذاشته است و دولت نیجریه چه وظایفی در قبال امنیت شیعیان بر عهده دارد.

### - دولت لائیک نیجریه و پذیرش مسئولیت فقهی

همانطور که در ابتدا گفته شد، ساختار نظام حکومتی نیجریه بر مبنای تفکر لائیک است. از این رو در این جا به این مطلب می پردازیم که آیا می توان با توجه به این ساختار حکومت در نیجریه که بصورت فدرال بوده و اعمال نفوذ دولت بر بخش های ساختاری آن مدون شده است، برای حاکمیت آن بخش از نیجریه که بیشتر آن مسلمانند، از فقه اسلامی کمک گرفت و مسئولین مناطقی را که در مجلس ایالتی و فرمانداری، عهده دار نظم در آن بخش اند را بر مبنای فقه

اسلامی، ملزم به حفظ حقوق و جان شیعیان آن منطقه دانست؟  
برای پاسخ به این پرسش، چند نکته درباره نظام حکومتی نیجریه که در بخش اول نوشتار نیز به آن اشاره شد، در خور توجه است.

- ۱- سیستم اداره حکومت در نیجریه به تفکیک ایالت و به صورت فدرال است؛
- ۲- هر ایالت برای خود قوه مجریه و مقننه دارد؛
- ۳- اعضای قوای مجریه و مقننه در هر ایالت با رأی مستقیم مردم انتخاب می شوند؛
- ۴- هر کدام از قوای مجریه و مقننه در امور داخلی مستقلند؛
- ۵- به موجب قانون اساسی نیجریه، تمام قوانین مشترک المنافع، اسلامی و عرف در این کشور به رسمیت شناخته شده است.

با توجه به این پنج ویژگی، این نتیجه بدست می آید که اگر در ایالتی از ایالات نیجریه که بیشتر جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می دهند، انتخابات به صورت آزاد برگزار شود و نمایندگان در فرمانداری (به عنوان قوه مجریه) و مجلس ایالتی (به عنوان قوه مقننه) به اجرای قانون شریعت بپردازند، دولت مرکزی ملزم به حمایت از آن‌ها خواهد بود، این در حالی است که براساس سخنان مشاور ویژه دادستان کل دیوان عالی کشور نیجریه، در حال حاضر از ۳۶ ایالت نیجریه، ۱۲ ایالت آن دارای دادگاه اسلامی اند که احکام صادره از آن براساس شریعت اسلامی است. (خبرگزاری ایسنا، کد خبر: ۰۶۰۴۲-۰۶۰۳-۸۶) در نتیجه هرچند دولت مرکزی نیجریه براساس فکر لائیک به اداره حکومت می پردازد، اما در ایالت‌هایی که اکثریت آن‌ها را مسلمانان تشکیل می دهند و قوای مجریه و مقننه آن تصمیم به اجرای قوانین شریعت گرفته‌اند، در اجرای احکام اسلامی آزاد بوده و دولت لائیک موظف به حمایت از آن‌ها در اجرای فقه و احکام اسلامی است.

### - عناصر مخاطره انگیز برای امنیت شیعیان در نیجریه

با نگاهی به شرایط کنونی و بررسی تاریخ حیات شیعیان در نیجریه و همچنین بر اساس آنچه نگارنده با توجه به مصاحبه‌های متعددی که با شاگردان شیخ زکزاکی و شیعیان نیجریه داشته است، (متن و فیلم بخشی از این مصاحبه‌ها در فضای مجازی موجود است). (رجانیوز کد خبر: ۲۲۹۹۶۵) می‌توان به این نتیجه دست یافت که دو عامل مهم همواره امنیت شیعیان در آن کشور را به خطر انداخته است.

## ۱. حکومت و عناصر وابسته به آن

در کشور نیجریه نه تنها به بهانه های مختلف برخی عناصر وابسته به دولت، امنیت شیعیان را برهم می‌زنند، بلکه خود عناصر دولتی و حکومتی نیز به طور مستقیم در برهم زدن امنیت شیعیان دخیل‌اند.

ارتش نیجریه و عملکرد آن در در دهه اخیر نشان می‌دهد که آنچه در این کشور باید سبب ایجاد امنیت و آرامش شیعیان باشد، خود می‌تواند در رأس همه مخاطرات، برای شیعیان مشکل آفرین باشد. این نکته افزون بر حملات وقت و بی وقت ارتش به خانواده‌های شیعیان نیجریه و حمله اخیر آنان به شیعیان زاریاست که دادگاه‌های این کشور که به نوعی وابستگی آن‌ها به حکومت غیر قابل انکار است نیز با اطلاع از مذهب فرد متهم، با او تغییر برخورد داده و به علت تبلیغات منفی علیه پیروان مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) و یا کینه‌ورزی نسبت به حرکت‌های مردمی آنان، برخوردی دوگانه را با آنان در پیش می‌گیرند.

## ۲. گروه‌های افراطی مسیحی و تکفیری وهابی

یکی دیگر از عوامل مخاطره‌انگیز برای شیعیان در نیجریه، حرکت‌های خودسرانه گروه‌های افراطی مذهبی است. گروه‌های تندرو وهابی مانند بوکوحرام که بطور رسمی شیعیان را تهدید می‌کنند، کشتن شیعیان را پلی برای رسیدن به بهشت می‌دانند. این گروه با انجام جنایات مختلف از جمله عملیات انتحاری در مساجد و مناطق شیعه‌نشین، یکی از عوامل مهم از بین بردن امنیت در آن کشورند. از سوی دیگر مسیحیان تند رو در این کشور در سالیان متمادی خسارات فراوانی را به شیعیان وارد کرده‌اند. این جنایات از جانب اقلیت تند رو در آن کشور همچنان ادامه دارد. (مهرنیا، ۱۳۷۸، ج ۱۶، ص ۷۰) اکنون برای بررسی مسئولیت فقهی دولت نیجریه در باره موارد فوق، با توجه به فراوانی اهل سنت در بین جمعیت مسلمانان آن کشور، این الزامات بر اساس فقه اهل سنت بررسی می‌شود.

## ۳. وظیفه فقهی دولت در حفظ امنیت شیعیان

برای مشخص شدن این وظیفه، ابتدا باید دیدگاه فقهی اهل سنت در مورد شیعیان را بررسی کرد و بر اساس نگرش فقهای اهل سنت به این پرسش پاسخ داد که آیا ریختن خون شیعیان مباح است یا خیر؟

غزالی که یکی از دانشمندان و فقه‌های اهل سنت است، در این باره می‌گوید:

«ومع ذلك فلا يستحل سفك دمائنا ولا يعتقد كفرنا ولكنه يعتقد فينا انا اهل البغى زلت بصائرنا عن درك الحق، اذ ادلنا عن اتباعه، عنادا ونكدا فهذا الشخص لا يستباح سفك دمه ولا يحكم بكفره هذه الاقاويل... فاما ان يحكم بكفره ويستباح دمه بهذه المقالات، فلا؛ (۱۴۰۳، ص ۱۳۳-۱۳۴)

با این وجود اگر فرد شیعه خون‌های ما اهل سنت را حلال ندانسته و معتقد به کافر بودن ما نباشد، هرچند ما را ملتی گمراه و نادان به شمار بیاورد که حقیقت را نفهمیده و در ادراک آن اشتباه کرده‌ایم... ریختن خونش مباح نیست و نباید برای چنین بهتان‌هایی وی را محکوم به کفر نمود».

از آنجا که غزالی برخی از تألیفات خود از جمله کتاب فضائح الباطنیة را بخاطر فرمان حاکمان وقت نگاشته است، می‌توان این گونه نتیجه گرفت که هدف او از این سخنان، حفظ جان و امنیت شیعیان است که باید از جانب حکومت‌ها حفظ شود. این سخنان غزالی در حالی است که جایگاه علمی و فقهی او نزد اهل سنت کاملاً روشن است. ذهبی در مورد وی می‌نویسد:

«الشيخ الامام البحر، حجة الاسلام، أعجوبة الزمان، صاحب التصانيف والذكاء المرفط، تفقه ببلده أولاً، ثم تحول إلى نيسابور في مرافقة جماعة من الطلبة، فلزم إمام الحرمين، فبرع في الفقه في مدة قريبة... ولله سرفى خلقه؛ (۱۴۱۳، ج ۱۹، ص ۳۲۳)

شیخ، امام، دریای علم، حجت الاسلام، اعجوبه زمان، نویسنده کتب متعدد، صاحب هوش سرشار، ابتدا در سرزمین خود به فقاقت پرداخت، سپس به نیشابور رفت و ملازم امام الحرمین شد و در مدت کوتاهی در فقه خبره شد... و در آفرینش او نزد خداوند حکمتی بوده است».

بن دمیاطی نیز او را امام علی الاطلاق فقیه‌ان و مجتهد زمان دانسته است. (۱۴۱۷، ص ۲۷)

بنابراین روشن است که نه تنها به خطر انداختن امنیت شیعیان از جانب دولت و یا مسئولان ایالتی، خلاف تصریحات فقهی اهل سنت است، بلکه فقه‌های اهل سنت به صراحت بر خلاف آن سخن گفته‌اند. با مراجعه به آرای فقه‌های معاصر اهل سنت نیز در می‌یابیم که آن‌ها شیعیان را داخل در دایره اسلام دانسته و فتاوای صریحی در مورد برابر بودن حقوق شیعیان و سایر مسلمین بخصوص در زمینه امنیت صادر کرده‌اند. (خازم، ۱۳۹۱، ص ۴۸)

سیری در کتبی که در زمینه وظایف حکام و دول نوشته شده است نیز نشان می‌دهد که بر اساس فقه، دولت موظف به برقراری امنیت برای مردم و مسلمانان است. در این خصوص علی بن محمد بن حبیب ماوردی، از علمای اهل سنت، بیاناتی صریح آورده است. وی که بیشتر عمر خود را در بغداد در خلافت عباسی گذراند، در آن زمان دست به تألیف کتابی زد که احکام فقهی حاکمان در آن آمده است. وی در مورد وظیفه فقهی حاکم در این مسأله می‌گوید: «مواردی که دولت موظف به آن است، ده مورد است... سوم این که از حریم مردم و امنیت آنان دفاع کند تا مردم به امرار معاش مشغول باشند و در امنیت کامل به زندگی و سفر بپردازند و جان و مال آن‌ها در امنیت باشد». (۱۳۹۸، ص ۴۰)

پس بر اساس فقه اسلامی و تصریح علما، یکی از وظایف حکومت در مرادده با مردم و شیعیان، حفاظت از حریم آنان و به رسمیت شناختن حق حیات و امنیت و معاشرت احسن با آنان است. بر اساس این نگرش که برخاسته از عبارات متعدد فقهای اهل سنت است، نه تنها حاکم باید از جان شیعیان حفاظت کند، بلکه اگر خطری شیعیان را تهدید می‌کرد، باید از تمام توان خود استفاده کرده، با آن خطر مقابله کند؛ زیرا تنها در این صورت به این وظیفه جامه عمل پوشانده می‌شود.

در اینجا این سوال مطرح است که اگر واقعا مسلمانان در یک ایالت مسئولیت حکومت و امنیت را به یک مسلمان سنی مذهب می‌دهند، چرا او نباید بر اساس آموزه‌های فقهی خود در حفظ امنیت شیعیان بکوشد؟ ناصر الرئوفی، فرماندار ایالت کادونا در شمال نیجریه بعد از اتفاقات تأسف بار ۱۳ دسامبر ۲۰۱۵ که منجر به کشته و زخمی شدن صدها نفر از شیعیان شد، نه تنها بر اساس فقه اسلامی امنیت شیعیان را دنبال ننمود که با سخنان خود جو را علیه آنان ملتهب‌تر کرد. (سایت خبری تحلیلی تابناک، کد خبر: ۵۵۵۴۸۹)

یکی دیگر از اموری که جان شیعیان در نیجریه را به خطر می‌اندازد، حملاتی است که از جانب مسیحیان افراطی یا تکفیریون وهابی به آن‌ها صورت می‌گیرد. در این زمینه نیز برای حکومت از جانب شرع مقدس و فقه وظایفی در نظر گرفته شده است که به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود. قرآن کریم در باره این درگیری‌ها می‌فرماید:

﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَبْغِيَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ﴾: (حجرات: ۹)

و اگر دو گروه از مؤمنان به نزاع و جنگ پرداختند، پس بین آن‌ها صلح و آشتی برقرار کنید و اگر یکی از دو گروه به دیگری تجاوز کرد، شما با متجاوز بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد...».

بر اساس این آیه وظیفه دولت نیجریه در زمانی که گروه‌های تکفیری مانند بوکوحرام به شیعیان حمله می‌کنند، در ابتدا جلوگیری از جنگ و در ادامه مبارزه با گروهی است که حمله را آغاز کرده و شیعه را مهدور الدم می‌داند.

ماوردی در خصوص حفظ امنیت و رفع تخاصم بین گروه‌ها توسط حکومت اهل سنت می‌گوید: «دومین وظیفه از وظایف دولت رفع اختلاف در بین مردم است. تا جایی که انصاف در بین آن‌ها رعایت شده و ظالم قدرت نگیرد و حق مظلوم پایمال نشود». (۱۳۹۸، ص ۴۰)

بر اساس این تصریح، دولت نیجریه موظف است عناصری را که در آن کشور مخل امنیت شیعیان هستند را از بین ببرد.

یکی دیگر از فتاوای تاریخی اهل سنت در این باره، فتوای شیخ محمد شلتوت است:

«مکتب جعفری، معروف به مذهب امامی اثنی عشری، مکتبی است که شرعا پیروی از آن مانند پیروی از مکتب‌های اهل سنت جایز است. بنابراین سزاوار است که مسلمانان این حقیقت را دریابند و از تعصب ناحق و ناروایی که نسبت به مکتب معینی دارند دوری گزینند؛ زیرا دین خدا و شریعت او تابع مکتبی نبوده و در احتکار و انحصار مکتب معینی نخواهد بود، بلکه همه صاحب مذاهب، مجتهد بوده و اجتهادشان مورد قبول درگاه باری تعالی است و کسانی که اهل نظر و اجتهاد نیستند، می‌توانند از هر مکتبی که مورد نظرشان است تقلید نموده و از احکام فقه آن پیروی نمایند و در این مورد فرقی میان عبادات و معاملات نیست». (الوفاق کد خبر: ۱۸۹۷۸)

بر اساس فتوای شلتوت که در هفدهم ربیع الاول ۱۳۷۸ ق صادر شد، پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام هیچ تفاوتی با سایر مسلمانان ندارند. این فتوا، هر آنچه سبب تبعیض بین شیعیان و سایر مسلمین است را از بین می‌برد؛ زیرا که معمولاً بیشترین اقدامات علیه شیعیان بخاطر انجام مناسک مذهبی آنان و برپایی شعائر مذهبی است که نمونه بارز آن حمله به شیعیان زاریا در زمان برپایی مراسم مذهبی شان بوده است.

همچنین به موجب این فتوا، حرمتی که در فقه اهل سنت متوجه جان و مال و ناموس پیروان مذاهب اربعه است، شامل حال شیعیان نیز می‌شود و دیگر حکومت نمی‌تواند هیچ تفاوتی بین



شیعیان و پیروان سایر مذاهب قائل شود، چه رسد به بی‌توجهی به امنیت آن‌ها و یا تهاجم به شیعیانی که در حال برپایی شعائر مذهبی خود هستند.

دکتر محمد محمد فحام از شیوخ الأزهر، در مورد جایگاه علمی و فتوای شیخ محمد شلتوت می‌گوید:

«من از جمله کسانی هستم که به شیخ محمود شلتوت به دیده تحسین می‌نگرم. نسبت به اخلاق، علم، وسعت اطلاع و مهارت وی در ادبیات و تفسیر قرآن و تحقیقاتش در اصول فقه و چنین شخصیتی به جواز پیروی از مذهب شیعه فتوی داده و هیچ تردیدی ندارم که او با فتوای آشکار خود بر اساس اعتقاد من فتوی داده است.» (رضوانی، ۱۳۸۶، ص ۲۶)

این تأیید از جانب شیخ وقت الأزهر مؤید دیگری بر لزوم مسئولیت‌پذیری حاکمان در قبال حفظ جان شیعیان است؛ چرا که صدور چنین فتوایی از اشخاصی که سخنانشان برای بیشتر اهل سنت حجت است و فتوای آن‌ها سرلوحه سایر مراکز فقهی ایشان است، می‌تواند به عنوان خط مشی صحیحی برای حاکمان اتخاذ شود.

نکته قابل توجه دیگر این که تصور جدید بودن این فتاوا از جانب اهل سنت صحیح نیست، هرچند اگر چنین نیز بود، باز آنان موظف به حفظ حقوق شیعیان بودند. شیخ محمد سرطاوی که از مفتیان صاحب نام اردن است، در این باره می‌گوید: «من همان مطلبی را که سلف صالح ما گفته‌اند می‌گویم و آن این که شیعه امامیه برادران دینی ما هستند، بر ما حق اخوت و برادری دارند و ما نیز بر آنان حق برادری داریم.» (۱۴۱۳، ص ۲۵۲)

باید تأکید نمود که تنها در صورت التزام فقهی دولت نیجریه، جان شیعیان حفظ خواهد شد، ظالمان در آن کشور قدرت نمی‌گیرند و حق مظلومین پایمال نمی‌شود، در غیر اینصورت اگر دولت نیجریه نیز پا به پای گروه‌هایی مانند بوکوحرام و مسیحیان افراطی به کشتن شیعیان و ظلم به آن‌ها بپردازد، نه تنها به این مسئولیت خود عمل نکرده، بلکه دقیقاً به خلاف آن اقدام کرده است. بر اساس این مسئولیت فقهی، آن دسته از ایالات نیجریه که مدعی اسلام خواهی و برقراری قوانین آن در دادگاه‌ها هستند نیز موظف می‌شوند با گروه‌هایی که در آن مناطق سعی در انجام جنایت در حق شیعیان دارند، مقابله کنند.

## نتیجه گیری

قوانین کشور نیجریه و در رأس آن قانون اساسی این کشور، حکایت از آن دارد که در این قانون، نه تنها بر حفظ جان شیعیان به عنوان شهروندان این کشور تاکید شده است، بلکه این کار از اساسی ترین اهداف حکومت برشمرده می شود. بر اساس این قانون، نه تنها شیعیان در انجام اعمال مذهبی خود آزادند، بلکه باید شاهد افزایش روز افزون کرامت خود در آن کشور باشند؛ هرگونه شکنجه و بازداشت شیعیان غیر قانونی است و دادگاه های نیجریه با صدور حکم قضایی هم نمی توانند حق حیات را از شیعیان بگیرند. عدالت و برابری بین شیعیان و دیگر گروه ها و مذاهب از تصریحات قانون اساسی نیجریه است و هرگونه اقدام که بر اساس تبعیض مذهبی باشد، نقض این قانون به شمار می آید؛ بردباری مذهبی، در حالی به عنوان یک اخلاق ملی در قانون اساسی این کشور جای گرفته است که خود به تنهایی می تواند دلیلی محکم بر پذیرش اعمال شیعیان باشد.

فرا تراز الزامات قانونی که دولت نیجریه را ملزم به حفظ جان شیعیان آن کشور کرده است، فقه اسلامی نیز برای الزام حکومت به حفاظت از جان شیعیان قابل توجه است. الزاماتی که بر اساس آن نه تنها دولت باید در برخورد با شیعیان به حفظ جان آنان متعهد باشد، بلکه اگر عنصری امنیت شیعیان را به خطر اندازد، دولت موظف به برخورد با آنان است و باید عنصر یاغی را از بین برده و یا جلوی ظلم او را بگیرد.

بنابراین بر اساس مبانی فقهی و حقوقی این نتیجه به دست آمد که اولین مسئول و متعهد حفاظت از جان شیعیان نیجریه دولت این کشور است و تاکنون در انجام این مسئولیت کوتاهی های فراوانی نموده است.

## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. بن دمیاطی، احمد، *المستفاد من ذیل تاریخ بغداد*، لبنان: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.
۲. خازم، علی، *شیعه و سنی همه مسلمان هستند*، مترجم، اصغر علی کرمی، دوم، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۹۱.
۳. ذهبی، شمس الدین، *سیر اعلام النبلاء*، التاسعة، لبنان: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ق.
۴. رضوانی، علی اصغر، *اتحاد ملی و انسجام اسلامی در پرتو آموزه‌های غدیر*، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶.
۵. سنایی، اردشیر، *مطالعه تطبیقی ساختارهای حکومتی آفریقای جنوبی و نیجریه و تأثیر آن بر توسعه سیاسی دو کشور*، پایان نامه کارشناسی ارشد روابط بین الملل، تهران: دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۲.
۶. غزالی، محمد، *فضائح الباطنیة*، بیروت: المكتبة العصرية، ۱۴۰۳ق.
۷. ماوردی، علی، *الأحكام السلطانية*، قاهره: دارالحدیث، ۱۳۹۸ق.
۸. مهرنیا، سید کاظم، *طریقه ها و فرق اسلامی در نیجریه*، تهران: کیهان فرهنگی، ج ۱۶، شماره ۱۵۴، ۱۳۷۸.
۹. وفایی، ابوالقاسم، *نگاهی به کشور جمهوری فدرال نیجریه*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۹۰.
10. Constitution of the Federal Republic of Nigeria, 1999.
11. www.harvardhrj.com
12. www.isna.ir
13. www.newspaper.al-vefagh.com
14. www.rajanews.com
15. www.tabnak.ir

